

توصیفی فرازبانی از سرودهای ملی کشورهای

جهان و ارتباط آن با توسعه‌یافتگی

چکیده

این پژوهش به سرود ملی به عنوان نماد ملی و عصاره‌ی فکر و آمال ملت‌ها در چارچوب الگوی لاکلا و موفه و رویکرد وندایک می‌پردازد و می‌کوشد دال‌های مرکزی را در سرودهای ملی کشورها، رابطه میان درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشورها و مفاهیم مندرج در سرودهای ملی و شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختارهای زبانی آن‌ها را بررسی کند. به این منظور سرودهای ملی ۱۱۴ کشور بررسی شد که بر اساس معیار توسعه در سه گروه توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته طبقه‌بندی شدند. از میان دال‌های مرکزی به-کاررفته در سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته مفاهیم جنگ، مناجات با خدا، آزادی، آینده‌گرایی، گذشته‌گرایی و وصف طبیعت سرزمین بیشترین فراوانی را دارند. در گروه در حال توسعه، مفاهیم جنگ، آزادی، آینده‌گرایی، گذشته‌گرایی، اتحاد، صلح و برقراری آشتی و وصف طبیعت سرزمین پرکاربردترین دال‌های مرکزی هستند. در گروه کمتر توسعه‌یافته دال‌های مرکزی جنگ، آزادی، آینده‌گرایی، اتحاد، صلح و برقراری آشتی، گذشته‌گرایی و نام بردن از خدا و مناجات با او بیشترین فراوانی را دارند. از نظر ساختارهای زبانی، استفاده از زمان حال به‌طور معناداری بیشتر از دو زمان گذشته و آینده است. ۳۳٪ از کشورهای مورد بررسی بر تقابل و قطبیت «ما» در مقابل «آن‌ها» تأکید ویژه دارند و در مابقی سرودها قائل به غیریتی در مقابل آن نیستند. میزان استفاده از این تقابل در سرود ملی این سه گروه از کشورها تفاوت معنی‌داری ندارد. از میان سرودهای ملی مورد بررسی، ۹۳٪ از کشورها از واژه‌های ایجابی (به‌گویانه) بیشتر از واژه‌های سلبی (دش‌گویانه) استفاده کرده‌اند. در سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال

توسعه به ترتیب ۱۱٪ و ۶٪ کشورهای هر گروه از واژه‌های سلبی بیشتر از واژه‌های ایجابی استفاده کرده‌اند این در حالی است که در همه‌ی سرودهای ملی کشورهای کمتر توسعه‌یافته استفاده از واژه‌های ایجابی بیشتر از واژه‌های سلبی است.

کلیدواژه ها: سرود ملی، دال مرکزی، قطبیت ما-آن‌ها، واژه‌های ایجابی-سلبی، توسعه-یافتگی.

۱. مقدمه

کلستو^۱ (۲۰۰۶)، معتقد است دولت‌های معاصر به‌وسیله‌ی سه نماد رسمی شناخته می‌شوند: پرچم، نشان، سرود. علی‌رغم شعار دهکده‌ی جهانی، ملت‌های جهان همچنان در تلاش برای حفظ و متمایزسازی نمادهای ملی خود هستند. یکی از این نمادها، سرود ملی است؛ قطعه‌ای موسیقی به همراه شعر که عصاره‌ی فکر و آمال یک ملت و یا حکومت را به جهانیان عرضه می‌کند. این نماد، به‌عنوان هویت کشورها و نمایندگان آن‌ها در جلسات سیاسی، رقابت‌های ورزشی و سایر گردهمایی‌های بین‌المللی معرفی می‌شود. افراد با شنیدن سرود ملی کشور خود به‌وجد می‌آیند و احساساتشان برانگیخته می‌شود. به اعتقاد ریپن^۲ (۲۰۰۵)، معمولاً آشنایی با سرود ملی در همان دوران کودکی-در سال‌های نخستین مدرسه- رخ می‌دهد؛ چراکه در بسیاری از کشورها، دانش‌آموزان به‌صورت روزانه در معرض سرود ملی قرار می‌گیرند، که به-واسطه‌ی آن ارزش‌های ملی به آنان تلقین می‌شود. انتظار می‌رود که سرود ملی، منبعی موجز از تاریخ، اعتقاد و فرهنگ یک ملت باشد که به همگرایی بیشتر مردمان یک کشور کمک می‌کند. بنابراین، قاعدتاً مطالب و محتوای سرودهای ملی جهت‌مند نیز هستند. اگرچه سرودهای ملی از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، همچنان زوایای پنهانی از آن‌ها وجود دارند که قابل تحقیق و بررسی‌اند. این پژوهش برآن است تا به سرود ملی از زاویه‌ی زبان‌شناسی بنگرد. الگوی لاکلا و موفه، رویکرد وندایک و برخی ابزارهای زبان‌شناختی را به‌عنوان چارچوب ویژه‌ی مطالعه‌ی زبان‌شناختی سرودهای ملی برگزیده‌ایم. به این ترتیب، این پژوهش در جستجوی پاسخی به پرسش‌های زیر خواهد بود: ۱-دال‌های مرکزی سرودهای ملی

1. Kolsto
2. Rippon

کشورها کدامند؟ ۲- چه رابطه‌ای میان درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشورها و مفاهیم مندرج در سرودهای ملی وجود دارد؟ ۳- شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختارهای زبانی در متون سرودهای ملی کشورهای مورد بررسی کدامند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

تغییرات بنیادینی که در قدرت‌ها و حکومت‌ها یا مرزهای جغرافیایی یک کشور رخ می‌دهند عموماً باعث جایگزین شدن برخی نمادهای ملی از جمله سرودهای ملی هر کشور می‌شوند؛ چراکه سرودهای ملی آمیخته با سیاست کشورها هستند و هر جا سیاست جدیدی بنا نهاده شود سرود ملی جدیدی نیز به تصویب می‌رسد.

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره‌ی سرودهای ملی انجام نشده‌است، اما در سال‌های اخیر شاهد مطالعات پراکنده‌ای هستیم که منجر به شکل‌گیری اصطلاح سرودشناسی^۱ شده است. این لفظ به معنای مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی سرودهای ملی برای نخستین بار توسط دیوید کندل^۲ در سال ۲۰۰۳ وضع شد.

از میان پژوهشگران غیرایرانی که در باب سرود ملی و بیشتر با نگاه جامعه‌شناختی و موسیقایی به تحقیق پرداخته‌اند می‌توان جهودا^۳ (۱۹۶۳)، رخا و تاج^۴ (۱۹۹۵)، ریپن^۵ (۲۰۰۵)، کاساک^۶ (۲۰۰۵)، کلستو^۷ (۲۰۰۶)، میشل جیمسن بریستو^۸ (۲۰۰۶)، وروس^۹ و همکاران (۲۰۱۲) و مایکل مور^{۱۰} را نام برد. آزاده (۱۳۸۴)، نادری (۱۳۸۸) و بیچرانلو (۱۳۹۲) پژوهشگران ایرانی‌ای هستند که تحقیقاتی با نگاه موسیقایی و زبانی پیرامون سرودهای ملی انجام داده‌اند. اما پژوهش حاضر نخستین گام در پی‌یافتن ارتباط میان مفاهیم مندرج در

1. Anthematology
2. David Kendall
3. Jahoda
4. Rekha & Taj
5. Rippon
6. Cusack
7. Kolsto
8. Michael Jamieson Bristow
9. Voros
10. Michael Moure

سرودهای ملی و معیار توسعه‌یافتگی است. انتخاب پیکره‌ای منسجم و نسبتاً جامع از سرودهای ملی و تحلیل آن‌ها بر مبنای رویکردی جدید از جمله شاخص‌های این پژوهش محسوب می‌شود.

۳. مبنای نظری پژوهش

همواره مفاهیمی در جوامع انسانی وجود داشته‌اند که درجه‌ای از ابهام را به همراه خود دارند؛ از جمله‌ی این مفاهیم مفهوم گفتمان^۱ است، که با وجود گذشت بیش از دو دهه از توجه خاص به این مفهوم در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی رسانه‌های جمعی و مانند آن، هنوز تیرگی معنایی را در درون تعاریف آن می‌توان به خوبی مشاهده کرد و به سبب گستردگی کاربرد آن در علوم مختلف نمی‌توان تعریفی جامع و مانع از آن به دست داد؛ چراکه هریک از این علوم با توجه به حوزه‌ی فعالیت خود آن را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که فقط در چارچوب آن علم پذیرفته‌است. می‌توان در تعریفی گفتمان را «گونه‌های مدلولی فرآیند تولیدات زبانی که بسیار پویا، جهت‌مند و هدف‌دار هستند و منجر به تولید متن می‌شوند» دانست (شعیری، ۱۳۸۵: ۹). در میان همه‌ی این علوم، این زبانشناسی است که نقش محوری دارد و می‌توان گفتمان را زاده‌ی زبانشناسی دانست که اولین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زیلگ هریس مطرح شد. تعریف او از گفتمان، بررسی واحدهای بزرگ‌تر از جمله در زبانشناسی بود؛ تا قبل از آن «کلمه» را واحدی برای تحلیل به حساب می‌آوردند. او در چارچوب مکتب ساخت-گرایی آمریکایی کار می‌کرد؛ بنابراین شروع تحلیل گفتمان را باید از زبانشناسی ساخت‌گرا دانست. گفتمان از نگاه ساخت‌گرایان آمریکایی به مجموعه‌ای از جملات گفته می‌شود که با هم ارتباط ساختاری دارند. از نواقص این دیدگاه این است که هیچ توجهی به کاربرد زبان و بافتی که گفتمان در آن اتفاق می‌افتد نکرده‌است.

در دهه‌ی ۷۰ میلادی با ظهور نقش‌گرایی، برخی نقایص موجود در دیدگاه ساخت‌گرایی برطرف شد و گفتمان را زبان به هنگام کاربرد محسوب کردند و بافتی را که در آن گفتمان به

وجود آمده است را مدنظر قرار دادند. مقصود از بافت در اینجا شرایط زمانی و مکانی است که زبان در آن در حال رخ دادن است. محدود بودن بافت در این نگرش و نادیده انگاشتن شرایط پنهان و بزرگتر اجتماعی از جمله کاستی های آن به شمار می رود. با انتشار کتاب *زبان و کنترل*^۱ در سال ۱۹۷۹ توسط فاولر، هاچ، کرس و ترو که همگی در دانشگاه ایست انگلیا کار می کردند و تحت تأثیر اندیشه های فوکو بودند، پایه های زبانشناسی انتقادی شکل گرفت و از ابتدای دهه نود جای خود را به اصطلاح تحلیل انتقادی گفتمان^۲ داد. این دیدگاه هر دو نگرش ساخت گرا و نقش گرا به تحلیل گفتمان را ناکافی دانست و به این منظور مفاهیمی مانند قدرت و ایدئولوژی را که مفاهیمی فرامتنی هستند وارد تحلیل گفتمان کرد و ارتباطی بین بافت کاربرد زبان با بافت های اجتماعی برقرار کرد. به عبارت دیگر بافت در این دیدگاه معنای وسیع تری پیدا می کند و از بافت موضعی^۳ در زبانشناسی نقش گرا به سمت بافت عام^۴ که کل حوزه ای اجتماع را در بر می گیرد، در حال حرکت است و بر نقش پنهان عناصر قدرت و ایدئولوژی در تولید زبان و متن در اجتماع تأکید دارد.

تحلیل گفتمان انتقادی در پی کشف اهدافی است که در پشت هر صورت زبانی نهفته است. ون-دایک، وداک، فرکلاف و فوکو را می توان از پیشگامان تحلیل انتقادی گفتمان برشمرد؛ هرچند فوکو متفکر فرانسوی زبان نقش بارزتری در تکوین تحلیل انتقادی گفتمان دارد؛ به گونه ای که تقریباً تمامی رویکردهای این جنبش عظیم، که نمی توان حد و مرزی برای آن قائل شد، ریشه در آراء میشل فوکو دارند. «او درباره ی گفتمان می گوید یکی از زیاترین گونه ی اندیشیدن و تعریف کردن گفتمان این است که ما گفتمان را صرفاً به معنای گروهی از نشانه های زبانی و یا یک متن طولانی ندانیم بلکه آن را به مثابه ی اعمالی بیانگاریم که بر اثر سخن گفتن منظم درباره ی اشیاء، باعث به وجود آمدن، و شکل بخشیدن آن اشیاء می شود» (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۰). با این تعریف، گفتمان بستری در نظر گرفته می شود که در آن ماهیت امور شکل می گیرد.

1. Language & Control
2. Critical Discourse Analysis
3. Context Of Situation
4. Context Of General

در مرحله‌ی گذار از ساختارگرایی به پساساختارگرایی به نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه می‌رسیم. این نظریه «بر آن است تا از همه‌ی امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه دهد» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۰) و تلفیقی است از دو سنت نظری مارکسیسم و ساخت‌گرایی، که منجر به ارائه‌ی نظریه‌ی پساساختارگرا می‌شود. این رویکرد، تفکر راجع به امر اجتماعی را از مارکسیسم مارکس، و نظریه‌ی معنا را از ساخت‌گرایی سوسور وام گرفته‌است. «جهان محصول گفتمان-هاست. البته این نظریه وجود واقعیت‌ها را نفی نمی‌کند، اما معتقد است که اشیاء و پدیده‌ها تنها از طریق گفتمان معنادار گردیده، قابلیت فهم و شناخت می‌یابند» (کسرائی، ۱۳۸۸: ۲). به-عنوان مثال، تصادفی را که منجر به مرگ یک انسان می‌شود، در جامعه‌ی ایران در نظر بگیرید؛ هرچند این موضوع کاملاً مستقل از ذهنیت مردم رخ می‌دهد، اما زمانی که بخواهند راجع به آن سخنی بگویند، هرکدام به شیوه‌ی خاص آن را تفسیر می‌کنند. پلیس راهنمایی و رانندگی، علت را نبستن کمربند ایمنی، سرعت غیر مجاز، خواب‌آلودگی راننده و مانند آن بیان می‌کند. برخی از مردم نیز ممکن است پایان عمر او را دلیلی بر شکل‌گیری این حوادث در نظر بگیرند و رعایت هیچ‌کدام از موارد ذکر شده توسط پلیس راهنمایی و رانندگی را اثربخش ندانند. این دو شیوه‌ی سخن گفتن، تداعی‌کننده‌ی دو گفتمان، یکی گفتمان پلیس و دیگری گفتمان عامیانه است.

پدیده‌های فیزیکی در نظریه‌ی لاکلا و موفه به خودی خود تهی از معنا هستند و ما به واسطه‌ی گفتمان به آن‌ها معنا می‌دهیم. به عبارتی گفتمان در این نظریه سازنده است. «هدف نظریه‌ی گفتمان فهم امر اجتماعی است به مثابه‌ی برساختی اجتماعی^۱» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). مفاهیم مختلفی در این نظریه مطرح شده که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین کرد.^۲ دال مرکزی^۳ یکی از این مفاهیم است. «به شخص، نماد

1. Social Construction

۲. برای آشنایی با این مفاهیم به مقاله‌ی کسرائی و پوزش‌شیرازی باعنوان «نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی» مراجعه شود.

3. Nodal Point

یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی^۱ می‌شوند، دال مرکزی می‌گویند» (کسرائی، ۱۳۸۸: ۶). از نظر لاکلا و موفه هر گفتمان از مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا دال‌های مرکزی تشکیل شده‌است. در مقام تمثیل، می‌توان همه‌ی دال‌های موجود در یک گفتمان را نقاطی از یک دایره و دال مرکزی را مرکز آن دایره در نظر گرفت. شعاع‌های دایره، رساننده‌ی جاذبه‌ی این دال به سایر دال‌هایی است که روی محیط دایره قرار گرفته‌اند. به عبارتی «نیروی جاذبه‌ی هسته‌ی (دال) مرکزی، سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند» (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). این دال‌های مرکزی در نظام معنایی یک گفتمان، نقش اساسی ایفا می‌کنند و عمده‌ترین مفاهیم مطرح شده‌اند که «به‌مثابه‌ی عمود خیمه هستند که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد» (کسرائی، ۱۳۸۸: ۲۴).

یکی از موضوعات مطرح شده در رویکرد ون‌دایک تحلیل ایدئولوژیک است. در تحلیل ایدئولوژیک دیده می‌شود، گروهی با ایدئولوژی خاص در ساختارهای گفتمانی که به کار می‌برند، دائماً بر نکات و ویژگی‌های مثبت خود تأکید می‌کنند و در مقابل همواره گروهی را پیش روی خود دارند که ویژگی‌های منفی آن‌ها را ذکر می‌کنند. از نظر ون‌دایک، بازنمودهای ذهنی «اغلب بر محور ما-آن‌ها تصریح می‌شوند، بدین قرار که گوینده گرایش دارد تا گروه خود را در قالب تعابیر مثبت و گروه‌های دگر را در قالب تعابیر منفی ترسیم کند» (ون‌دایک، ۱۹۹۸: ۲۲). به‌عنوان مثال این جمله را در نظر بگیرید. «ما برای دستیابی به اهداف صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد و تهدید دشمنان هیچ تأثیری بر اراده‌ی ما نخواهد گذاشت». واژه‌پردازی در این جمله به‌گونه‌ای است که، داشتن اهداف صلح‌آمیز، تلاش، کوشش و اراده به «ما» نسبت داده شده‌است و تهدید به آن‌ها (دشمنان) منتسب شده‌است. بنابراین مصداق‌های «ما» و «آن‌ها» در دو قطب مخالف قرار می‌گیرند.

این پژوهش، علاوه بر ابزارهای رویکرد ون‌دایک و نظریه‌ی لاکلا و موفه، از ابزارهای گفتمانی از قبیل کاربرد زمان‌های اصلی (گذشته، حال، آینده)، کاربرد واژه‌های ایجابی^۲ در مقابل واژه‌های سلبی^۳

1. Articulation
2. Positive Words
3. Negative Words

و روابط معنایی (تضادهای معنایی) بهره جسته است. واژه‌های ایجابی به داشته‌ها و آنچه وجود دارد می‌نگرد و واژه‌های سلبی به معرفی نداشته‌ها و آنچه عدم است می‌پردازد. گاهی واژه‌های ایجابی و واژه‌های سلبی با مفاهیم «بهگویی^۱» و «دشگویی^۲» در تناظرند و می‌توان به جای واژه‌ی ایجابی واژه‌ی «بهگویانه^۳» و به جای واژه‌ی سلبی واژه‌ی «دشگویانه^۴» را به کار برد. بنابراین، دو مفهوم یاد شده به ترتیب، حامل بار عاطفی مثبت و منفی هستند. یعنی به هنگام کاربرد و یا شنیدن هر کدام در ذهن آدمی بازخورد مثبت یا منفی خواهند داشت. مثلاً در دو واژه‌ی دوستی و دشمنی، دوستی به همراه خود آرامش دارد اما واژه‌ی دشمنی نوعی تنش را در ذهن ایجاد می‌کند.

۴. معرفی داده‌ها و روش انجام پژوهش

کشورهای جهان از لحاظ موقعیت جغرافیایی طبق تقسیم‌بندی سازمان ملل متحد در پنج قاره‌ی مختلف قرار می‌گیرند که عبارتند از: قاره‌ی آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکا و اقیانوسیه. در این پژوهش ۱۱۴ کشور ثبت شده در سازمان ملل از پنج قاره‌ی جهان بررسی می‌شود. برای این هدف فهرستی از سرودهای ملی کشورهای مورد مطالعه به همراه ترجمه‌ی^۵ آن‌ها به فارسی تهیه شد. این کار با استناد به کتاب سرودهای ملی کشورهای جهان، تدوین و آوانگاری پویان آزاده (۱۳۸۴)^۶ محقق شد.

۴-۱. تقسیم‌بندی کشورها بر مبنای معیار توسعه

اگرچه مفهوم توسعه‌یافتگی مفهومی نسبی است اما از میان مصداق‌های در نظر گرفته شده برای معیار توسعه، به‌طور معمول میزان سرانه‌ی درآمد یکی از معیارهای تعیین توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌رود. بانک جهانی، کشورها را از لحاظ میزان درآمد در چهار گروه طبقه-

1. Euphemism
2. Dysphemism
3. Euphemistically
4. Dysphemistically

۶. عدم تسلط به زبان اصلی سرودهای ملی کشورها و استفاده از ترجمه‌ی آن‌ها در تحلیل سرودها، از محدودیت‌های این پژوهش محسوب می‌شود؛ چراکه ممکن است برخی مفاهیم فرهنگی در ترجمه به‌طور دقیق منعکس نشود. اما با توجه به دامنه‌ی سؤالات پژوهش، استفاده از ترجمه باعث قربانی شدن کل معنا نشده است.

۷. برخی از سرودهای ملی از سال ۱۳۸۴ تا کنون تغییر کرده است. بنابراین متن انگلیسی این سرودها از سایت national-anthem.org استخراج و به فارسی ترجمه شد.

بندی می‌کند: کشورهایی با درآمد بالا، درآمد متوسط به بالا، درآمد متوسط به پایین و درآمد پایین. به کشورهایی که در گروه نخست قرار می‌گیرند، کشورهای توسعه‌یافته^۱، گفته می‌شود و سه گروه آخر به‌طور کلی، کشورهای در حال توسعه البته از نظر اقتصادی محسوب می‌شوند. به کشورهای گروه چهارم که شامل کشورهایی با درآمد پایین است کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز اطلاق می‌شود. با توجه به اطلاعات استخراج شده از بانک جهانی و با در نظر گرفتن میزان درآمد به‌عنوان معیاری برای تعیین میزان توسعه، ۱۱۴ کشور مورد بررسی در سه گروه کشورهای توسعه‌یافته در حال توسعه^۲ و کمتر توسعه‌یافته^۳ طبقه‌بندی می‌شوند. سپس پرکاربردترین دال‌های مرکزی به‌کار رفته در سرودهای ملی کشورها استخراج می‌شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌های زبانشناختی گفتمانی در متون سرودهای ملی این کشورها تعیین می‌گردد و رابطه‌ی آن‌ها با متغیر توسعه‌یافتگی تحلیل می‌شود.

۵. بحث و تحلیل داده‌ها

۵-۱. توصیف زبانشناختی یک نمونه سرود ملی

متن سرود کشور آندورا و تحلیل آن در ذیل آمده است.

«شارلمان» بزرگ، پدر من، مرا از بند تازیان آزاد کرد،

و از بهشت زندگی مادر بزرگ «مرتیزل» را به من ارزانی داشت.

من شاهدختی زاده شدم، دوشیزه‌ای بی‌طرف در میان دو ملت.

من تنها دختر بازمانده‌ام از پادشاهی «کارولینگن»

معتقد و آزاد برای یازده سده، معتقد و آزاد باقی خواهم بود.

ای قانون سرزمین، حامی‌ام باش!

و ای شاهزاده، مدافعم!

-
1. Developed countries
 2. Developing countries
 3. Least developed countries

جدول ۵-۱-۱. توصیف سرود ملی آندورا^۱

مؤلفه‌های مورد بررسی		ردیف	
گذشته‌گرایی آزادی از بند اسارت اعلام بی‌طرفی (از دو ملت فرانسه و اسپانیا) تداوم آزادی قانون‌گرایی اشاره به نوع حکومت جنسیت‌گرایی (مؤنث)	دال‌های مرکزی	۱	
مصدق ما: مردم، شارلمان، مرتیزل، پادشاهی کارولینگن ^۳ ، شاهزاده مصدق آن‌ها: اعراب ^۴	مصدق «ما» در مقابل مصداق «آن‌ها»	۲	
در بند بودن و آزادی	تضاد معنایی	روابط معنایی	۳
۳	گذشته	تعداد کاربرد زمان‌های اصلی	۴
۳	حال		
۱	آینده		
۱۵	واژه‌های ایجابی (به‌گویانه) ^۵	۵	
۱	واژه‌های سلبی (دش‌گویانه) ^۶		

1. Andorra

۲. حکومت آندورا میان کشورهای فرانسه و اسپانیا مشترک است و این دو کشور مسئولیت پشتیبانی از خاک این کشور را دارند.

۳. شارلمانی یا کارل بزرگ یا کارلوس ماگنوس مؤسس امپراتوری مقدس روم شناخته می‌شود و از نظر اروپایی‌ها، پدر کشورهای فرانسه و آلمان است (مرگ ۲۸ ژانویه ۸۱۴ میلادی) و مرتیزل نام مجسمه‌ای در کلیسای کاتولیک در دهکده‌ی مرتیزل نزدیک مرز آندورا با فرانسه است که تصویری از مریم باکره است که حامی مقدس آندوراست و پادشاهی «کارولینگن» امپراتوری تحت قلمرو فرانک‌ها در قرون وسطی (۸۰۰ تا ۸۸۸ میلادی).

۴. اشاره به حمله‌ی اعراب مور به اسپانیا در قرن هفتم میلادی.

5. Euphemistically

6. Dysphemistically

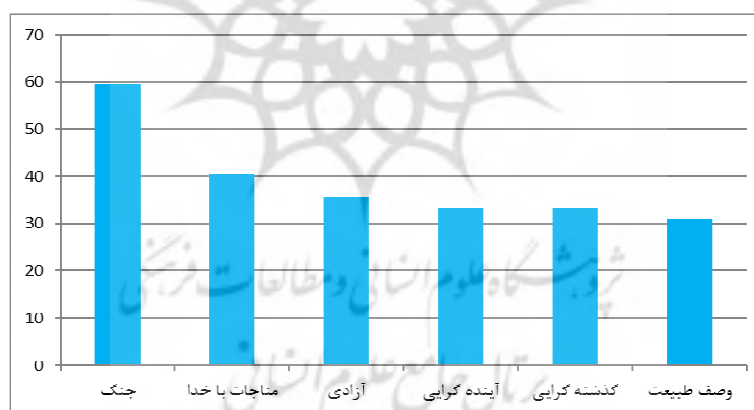
۲-۵. تحلیل سرودهای ملی کشورها بر مبنای معیار توسعه

جدول ۱-۲-۵. پرکاربردترین دال‌های سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته^۱

کشورها		زیر شاخه‌ها	دال مرکزی	ردیف
درصد	فراوانی	بازپس‌گیری تصرفات دشمن، شکست دشمن	جنگ	۱
		دعا در حق سقوط دشمن		
		ترسیم صحنه‌ی نبرد		
		جنگیدن، مقاومت، دفاع		
		بیرون‌راندن ستمگران و پیروزی در میدان جنگ		
		پرورش افراد مبارز برای میدان نبرد		
		فداکاری و انتخاب مرگ در میدان جنگ برای میهن		
حقیر و ترسو شمردن دشمن				
٪ ۵۹/۵۲	۲۵	توکل بر خدا	مناجات با خدا	۲
		درخواست عطای شادمانی		
		دعا در حق ملکه، پادشاه و مردم		
		شناخت نعمت‌های خدا و ستایش قدرت او		
تداوم ایمان				
٪ ۴۰/۴۷	۱۷	تداوم آن	آزادی	۳
		آزادی به‌عنوان آرمان مردم		
		تضمین‌کننده‌ی شادی		
		قربانی دادن برای آن		
		انتخاب مرگ در راه آن		
٪ ۳۵/۷۱	۱۵			

۱. این کشورها عبارتند از: هلند، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان، استرالیا، یونان، سوئد، قبرس، دانمارک، روسیه، آمریکا، آندورا، اتریش، اردن، کویت، بلژیک، مالت، اسلوانی، ترکیه، عمان، قطر، برونی، کانادا، چک، بحرین، مجارستان، مکزیک، عربستان سعودی، لوکزامبورگ، شیلی، روسیه، اشغالگر فلسطین (این کشور با نام اسرائیل در سازمان ملل به ثبت رسیده است. در این پژوهش، سرود ملی این کشور با نام اشغالگر فلسطین بررسی و تحلیل شده است)، سنگاپور، کره جنوبی، ژاپن، ایرلند، امارات متحده عربی (فاقد متن)، اسلواکی، لهستان، فنلاند، اروگوئه، اسپانیا (فاقد متن)، لیتوانی.

کشورها	زیر شاخه‌ها	دال مرکزی	ردیف	
	طلب آن به‌عنوان یک حق			
	آزادی از بند اسارت			
٪ ۳۳/۳۳	۱۴	از بین رفتن غم‌ها و امید به آینده	آینده‌گرایی	
		ترسیم وضعیت مطلوب برای آینده‌ی کشور		
		شکوفای شدن میهن		
		پیشرفت میهن		
		دعوت به تغییر		
		تکامل حکومت		
٪ ۳۳/۳۳	۱۴	نام‌بردن از نیاکان	گذشته‌گرایی	
		میراث گذشتگان		
		افتخار به تاریخ گذشته		
٪ ۳۰/۵۹	۱۳	زیبایی کوه، دریا، دشت و ...	وصف طبیعت سرزمین	۶



نمودار ۵-۱. فراوانی (درصد) پرکاربردترین دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته

جدول ۵-۲-۲. تضادهای معنایی سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته

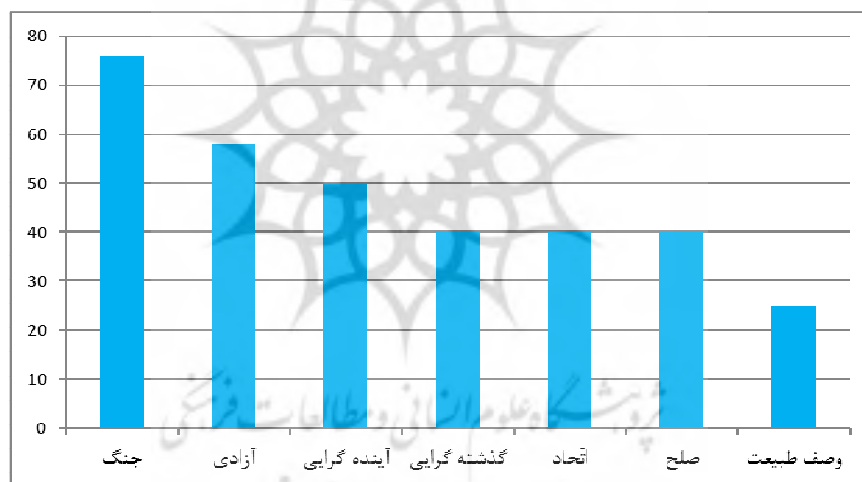
دربند بودن و آزادی	زندگی و مرگ (۳)	دل و دست (۴)	گذشته و آینده	آذرخش و تندر
خواب و بیداری	سنگریزه و صخره	لبخند و عصبانیت	شمال و جنوب (۲)	جنگ و صلح

جدول ۵-۲-۳. پرکاربردترین دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورهای در حال توسعه^۱

کشورها		زیر شاخه‌ها	دال مرکزی	ردیف
۷۶٪	۳۸	جنگیدن و نبرد مسلحانه	جنگ	۱
		بیرون راندن دشمنان		
		فداکاری و انتخاب مرگ در میدان جنگ برای میهن		
		مقاومت و تداوم آن		
		دفاع از تمامیت ارضی		
		مبارزه با حکومت ستم		
		برداشتن پرچم در مقابل دشمن و قربانی شدن		
		گرامی‌داشت شهدا و جان‌باختگان در میدان جنگ		
ترسیم صحنه‌ی جنگ				
۵۸٪	۲۹	فداکاری برای آن	آزادی	۲
		تداوم آزادی		
		انتخاب آن و گسستن زنجیرهای اسارت		
		آزادی به‌عنوان ارمغان استقامت		
۵۰٪	۲۵	تضمین آن با رفتار انسانی	آینده‌گرایی	۳
		دستیابی به پیشرفت و تکامل		
		ساختن میهن و خدمت به آن		
		تداوم کار برای داشتن آینده‌ای خوب		
		امید به آینده و نفی وضعیت موجود		
توجه به آیندگان				
۴۰٪	۲۰	نام‌بردن از نیاکان	گذشته‌گرایی	۴
		بازگشت شکوه و تمدن گذشته		
		سرزمین‌های باستانی		

۱. این کشورها عبارتند از: ایران، آلبانی، بلغارستان، آفریقای جنوبی، الجزایر، مصر، غنا، نیجریه، کامرون، کنیا، زیمبابوه، آرژانتین، بولیوی، برزیل، کلمبیا، اکوادور، پاراگوئه، پرو، ونزوئلا، آنتیگوا و باربودا، بلیز، کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، عراق، لبنان، فلسطین، مالزی، اندونزی، سوریه، فیلیپین، تایلند، ویتنام، هند، مالدیو، پاکستان، سریلانکا، چین، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، کره شمالی، مغولستان.

کشورها	زیر شاخه‌ها	دال مرکزی	ردیف	
%۴۰	۲۰	اتحاد	۵	
				متخذ شدن/کردن
				استقامت در آن
				حکومت برپایه آن
				اتحاد ملی
	اتحاد باعث دوام سرزمین			
%۴۰	۲۰	صلح و برقراری آشتی	۶	
				حکومت برپایه آن
				صلح جهانی
				نفی نزاع و برقراری صلح
	محافظان آن			
%۲۵	۱۴	وصف طبیعت سرزمین	۷	
		زیبایی کوه، دریا، دشت و ...		



نمودار ۲-۵. فراوانی (درصد) پرکاربردترین دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورهای درحال توسعه

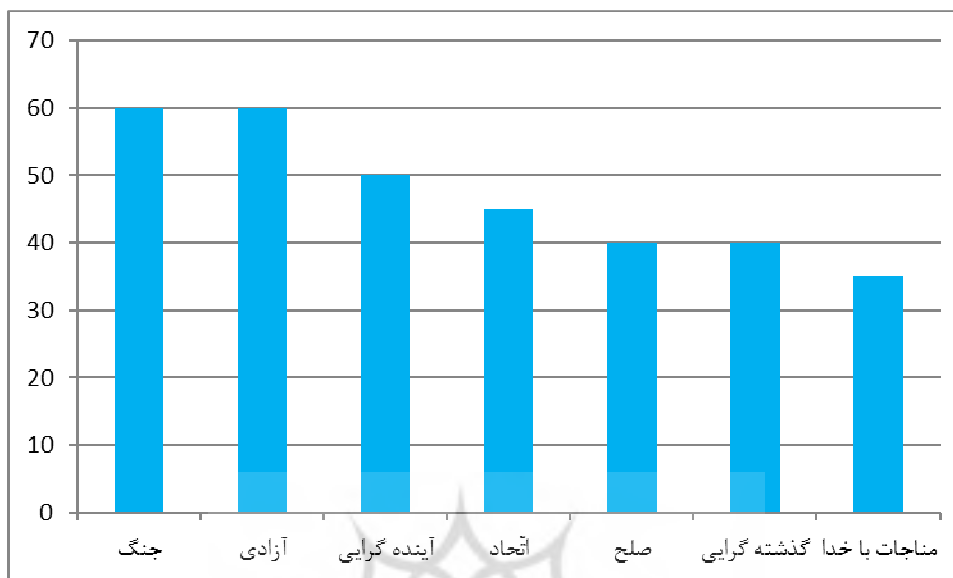
جدول ۲-۵-۴. تضادهای معنایی سرودهای ملی کشورهای درحال توسعه

زندگی و مرگ (۴ بار)	بهشت زمینی	شب و روز (۲ بار)	جنگ و صلح (۳ بار)
خزان و بهار	شرق و غرب (۲ بار)	جسم و جان (۴ بار)	آزادی و بردگی (۴ بار)
آینده و گذشته	بردگی و برابری	دختران و پسران	پیر و کودک
قطب شمال و قطب جنوب	درخشش و کم‌نور	اجداد و وارثان	غنی و فقیر

جدول ۵-۲-۵. پرکاربردترین دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورهای کمتر توسعه یافته^۱

کشورها		زیرشاخه‌ها	دال مرکزی	ردیف
درصد	فراوانی	ضربه‌زدن به دشمن	جنگ	۱
		جنگ با امپریالیسم و استعمار		
		انتخاب مرگ و نپذیرفتن ننگ در جنگ		
		گرامی‌داشت شهدا و جان‌باختگان در میدان جنگ		
%۶۰	۱۲	ابزارهای جنگ	آزادی	۲
		حفظ آن		
		تحقق آن با دادن قربانی		
%۶۰	۱۲	اعلام رهایی از بردگی و رسیدن به آزادی	آینده‌گرایی	۳
		تولید ثروت با کارکردن و خدمت به میهن		
		دعوت به ساختن میهن		
%۵۰	۱۰	تلاش برای تغییر	اتحاد	۴
		امیدوار به آینده		
		دعوت به آن		
%۴۵	۹	بنانهادن کشور برپایه‌ی آن	صلح و برقراری آشتی	۵
		متحد شدن		
		حضور آن در سرزمین		
%۴۰	۸	برقراری آن با همسایگان	گذشته‌گرایی	۶
		صلح جهانی		
		نام‌بردن از نیاکان		
%۴۰	۸	احترام به باور گذشتگان	نام‌بردن از خدا و مناجات با او	۷
		افتخار به تاریخ گذشته		
		عظمت خداوند		
%۳۵	۷	ارزانی نعمت‌ها از جانب او	ستایش خدا	
		دعا در حق سرزمین، رهبران و مردم		

۱. این کشورها عبارتند از: افغانستان، یمن، کامبوج، لائوس، بوتان، نپال، بنگلادش، تیمور شرقی، اریتره، اتیوپی، ماداگاسکار، موزامبیک، اوگاندا، تانزانیا، زامبیا، گینه، سنگال، آنگولا، آفریقای مرکزی، چاد.



نمودار ۳-۵. فراوانی (درصد) پرکاربردترین دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورهای کمتر توسعه یافته

جدول ۲-۶. تضادهای معنایی سرودهای ملی کشورهای کمتر توسعه یافته

صلح و شمشیر	بهار و پاییز	جسم و روح	پسران و دختران
تاریکی و نور	دریند بودن و گسستن بند	شرق و غرب	شمال و جنوب
پیر و جوان	زن و مرد	-	-

جدول ۲-۷. طبقات معنایی تضادهای معنایی به کار رفته در سرودهای ملی

ردیف	تضادهای معنایی	تعداد	ردیف	تضادهای معنایی	تعداد
۱	جسم و جان	۹	۸	فصل‌ها	۲
۲	زندگی و مرگ	۷	۹	بردگی و برابری	۱
۳	جهت جغرافیایی	۷	۱۰	فقیر و غنی	۱
۴	آزادی و اسارت	۶	۱۱	نور و تاریکی	۲
۵	نسل‌ها	۶	۱۲	بهشت زمینی	۱
۶	جنگ و صلح	۵	۱۳	زمان گذشته/آینده - شب/روز	۴
۷	عناصر طبیعت آذرخش و تندر صخره و سنگریزه	۲	۱۴	حالات انسانی خواب و بیدار لبخند و عصبانیت	۲

۳-۵. تحلیل یافته‌ها

جدول ۳-۵-۱. پرکاربردترین دال‌های سرودهای ملی در هر سه گروه از کشورها به ترتیب فراوانی

ردیف	کشورهای توسعه- یافته	فراوانی ^۱	کشورهای درحال توسعه	تعداد	کشورهای کمتر توسعه یافته	فراوانی
۱	جنگ	۲۵	جنگ	۳۸	جنگ	۱۲
		%۵۹/۵۲		%۷۶		%۶۰
۲	مناجات با خدا	۱۷	آزادی	۲۹	آزادی	۱۲
		%۴۰/۴۷		%۵۸		%۶۰
۳	آزادی	۱۵	آینده‌گرایی	۲۵	آینده‌گرایی	۱۰
		%۳۵/۷۱		%۵۰		%۵۰
۴	آینده‌گرایی	۱۴	گذشته‌گرایی	۲۰	اتحاد	۹
		%۳۳/۳۳		%۴۰		%۴۵
۵	گذشته‌گرایی	۱۴	اتحاد	۲۰	صلح و برقراری آشتی	۸
		%۳۳/۳۳		%۴۰		%۴۰
۶	وصف طبیعت سرزمین	۱۳	صلح و برقراری آشتی	۲۰	گذشته‌گرایی	۸
		%۳۰/۹۵		%۴۰		%۴۰
۷	-	-	وصف طبیعت سرزمین	۱۴	خدا و مناجات با او	۷
				%۲۵		%۵

چنان‌که از جدول فوق مشاهده می‌شود چهار دال مرکزی جنگ، آزادی، آینده‌گرایی و گذشته‌گرایی به‌طور مشترک در سرود ملی هر سه گروه کشورهای توسعه یافته، درحال توسعه و کمتر توسعه یافته دیده می‌شود. با این تفاوت که در سرود ملی کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته برخلاف سرود ملی کشورهای توسعه یافته، فراوانی کاربرد دال مرکزی آینده-

۱. نخستین عدد، نمایانگر فراوانی سرودهای ملی که در آنها از این دالها استفاده شده است و دومین عدد درصد آن را نشان می‌دهد.

گرایی مقدم بر دال مرکزی گذشته‌گرایی است. کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، در سرود ملی‌شان ضمن ترسیم آینده‌ای مطلوب برای کشور، همگان را به سمت پیشرفت و شکوفا شدن میهن دعوت می‌کنند. «بیائید یکی کنیم تلاش‌هایمان را در نبرد برای ساختن یک زندگی جدید»، «از عشق ما تا شکوفا شدن فرصتی خواهد بود»، «چشمانتان را باز کنید، آینده از آن شماست» همگی نمونه‌هایی از موارد کاربرد دال مرکزی آینده‌گرایی در سرودهای ملی است. «بازپس‌گیر، آه، احیا کن افتخار نیاکان‌مان را»، «تو میهنی هستی که هنرت از تاریخ باشکوه گذشته است»، «به گذشته و تاریخ خود می‌بالیم» مواردی از نگاه سرودهای ملی به گذشته است. فراوانی کاربرد دو دال مرکزی اتحاد و برقراری صلح و آشتی، تنها در سرود ملی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته دیده می‌شود. کاربرد دال مرکزی مناجات با خدا در سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته در جایگاه دوم با فراوانی (۴۰/۴۷٪) قرار دارد در حالی که دال مرکزی مناجات با خدا جزء پرکاربردترین دال‌ها در سرودهای ملی کشورهای در حال توسعه قرار نمی‌گیرد و در کشورهای کمتر توسعه‌یافته این دال در جایگاه هفتم با فراوانی (۳۵٪) در سرودهای ملی‌شان دیده می‌شود. به عبارت دیگر، کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از دو گروه دیگر از کشورها در سرودهای ملی‌شان از خدا نام برده‌اند.

(۳۳٪) از کل کشورهای مورد بررسی^۱ بر تقابل و قطبیت «ما» در مقابل «آنها» تأکید ویژه دارند و در مابقی سرودها قائل به غیریتی در مقابل آن نیستند. میزان استفاده از این تقابل در سرود ملی این سه گروه از کشورها تفاوت معنی‌داری ندارد. به این ترتیب، رویکرد عمده‌ی کشورهای جهان در سرودهای ملی‌شان رویکردی دشمن‌مدار نیست و بر تقابل خود و غیر تمرکز ندارند.

از میان سرودهای ملی مورد بررسی در این پژوهش، (۹۳٪) از واژه‌های ایجابی (به‌گویانه) بیشتر از واژه‌های سلبی (دش‌گویانه) استفاده کرده‌اند در مابقی سرودها^۲ (۷/۱۴٪) شاهد کاربرد تقریباً یکسان واژه‌های سلبی و ایجابی یا واژه‌های سلبی بیشتر هستیم. در سرودهای ملی

۱. این کشورها عبارتند از: آندورا، چک، مجارستان، لهستان، دانمارک، ایرلند، انگلستان، فرانسه، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، اروگوئه، آمریکا، آلبانی، مصر، غنا، زیمباوه، کلمبیا، پاراگوئه، بلیز، السالوادور، گواتمالا، ارمنستان، عراق، فیلیپین، تایلند، ویتنام، ترکمنستان، چین، کره شمالی، مغولستان، لائوس، تیمور شرقی، یمن، اریتره، موزامبیک و سنگال.

۲. این کشورها عبارتند از: مجارستان، لهستان، فرانسه، مکزیک، ترکیه، پرو، گواتمالا و تایلند.

کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه به ترتیب فقط (۱۱٪) و (۶٪) از واژه‌های سلبی بیشتر از واژه‌های ایجابی استفاده کرده‌اند و در باقی سرودهای ملی این دو گروه از کشورها، واژه‌های ایجابی (به‌گویانه) بیشتر از واژه‌های سلبی (دشگویانه) به کار رفته‌است. این در حالی است که در همه‌ی سرودهای ملی کشورهای کمتر توسعه‌یافته استفاده از واژه‌های ایجابی (به‌گویانه) بیشتر از واژه‌های سلبی (دشگویانه) است.

کاربرد زمان حال در سرودهای ملی کشورهای توسعه‌یافته، درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته به‌طور معناداری بیشتر از دو زمان گذشته و آینده است^۱ و تنها در سرودهای ملی کشورهای کمتر توسعه‌یافته میزان کاربرد زمان آینده (۷۰٪) بیشتر از زمان گذشته (۶۵٪) است گویی که این کشورها نظر به آینده‌ای بهتر دارند.

تضادهای معنایی به کار رفته در سرودهای ملی در ۱۴ گروه قرار می‌گیرند که گروه جفت-واژه‌ی متضاد جسم و جان (۹ مورد) بیشتر از سایرین مورد استفاده قرار گرفته‌است.

۶. نتایج پژوهش

سرود ملی قطعه‌ای موسیقی به‌همراه شعر است که با قدرتی که در محتوای خود دارد با سایر سروده‌ها متفاوت است؛ چراکه سرود ملی منبعی موجز از تاریخ، اعتقاد و فرهنگ یک ملت است و آشنایی با آن می‌تواند در همگرایی ملتها و دولت‌ها کمک کند. بررسی سرودهای ملی منجر به آگاهی از رویکرد سایر ملل و فرهنگ‌ها می‌شود. به‌این منظور در این پژوهش سرودهای ملی ۱۱۴ کشور از ۵ قاره‌ی جهان که به عضویت سازمان ملل درآمده‌اند مورد بررسی قرار گرفت. این کشورها با در نظر گرفتن معیار توسعه در سه گروه کشورهای توسعه‌یافته، درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته طبقه‌بندی شدند. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای سه پرسش زیر بود: (۱) دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورها کدامند؟ (۲) چه رابطه‌ای میان درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشورها و مفاهیم مندرج در سرودهای ملی وجود دارد؟

۱. زمان حال (۹۸٪ از سرودهای ملی کل کشورهای مورد بررسی)، زمان گذشته (۶۷٪ از سرودهای ملی کل کشورهای مورد بررسی) و زمان آینده (۶۳٪ از سرودهای ملی کل کشورهای مورد بررسی).

۳) شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌های زبانشناختی گفتمانی در متون سرودهای ملی کشورهای مورد بررسی کدامند؟ در پاسخ به سؤال اول و دوم با استفاده از مفهوم دال مرکزی در سرودهای ملی و رابطه‌ی آن با درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشورها نتایج زیر به‌دست آمد: پرکاربردترین دال‌های مرکزی سرودها در کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته به ترتیب زیر عبارتند از:

کشورهای توسعه‌یافته: جنگ (۵۹/۵۲٪)، مناجات با خدا (۴۰/۴۷٪)، آزادی (۳۵/۷۱٪)، آینده‌گرایی (۳۳/۳۳٪)، گذشته‌گرایی (۳۳/۳۳٪) و وصف طبیعت سرزمین (۳۰/۹۵٪).
کشورهای در حال توسعه: جنگ (۵۷/۶٪)، آزادی (۵۸٪)، آینده‌گرایی (۵۰٪)، گذشته-گرایی (۴۰٪)، اتحاد (۴۰٪)، صلح و برقراری آشتی (۴۰٪) و وصف طبیعت سرزمین (۲۸٪).

کشورهای کمتر توسعه‌یافته: جنگ (۶۰٪)، آزادی (۶۰٪)، آینده‌گرایی (۵۰٪)، اتحاد (۴۵٪)، صلح و برقراری آشتی (۴۰٪)، گذشته‌گرایی (۴۰٪) و نام بردن از خدا و مناجات با او (۳۵٪).

دال مرکزی جنگ اگرچه در هر سه گروه از این کشورها از نظر فراوانی در جایگاه نخست قرار گرفته است اما در سرود ملی کشورهای در حال توسعه تعداد بیشتری از کشورها از این دال استفاده کرده‌اند. دال مرکزی آزادی مفهوم دیگری است که در سرود ملی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته کاربرد بیشتری نسبت به سرود ملی کشورهای توسعه‌یافته داشته است.

در پاسخ به سؤال سوم شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌های زبانشناختی گفتمانی در متون سرودهای ملی این کشورها به شرح زیر می‌باشند: میزان استفاده از تقابل و قطبیت «ما» در مقابل «آنها» و کاربرد زمان حال در سرود ملی این سه گروه از کشورها تفاوت معنی‌داری ندارد. به این ترتیب، رویکرد عمده‌ی کشورهای جهان رویکردی دشمن‌مدار نیست. کشورها به‌طور معمول غیری را در مقابل خود قرار نمی‌دهند و بیشتر به توصیف وضعیت موجود کشور در سرودهای ملی‌شان می‌پردازند.

نتایج این پژوهش می‌تواند کارکردی دوگانه داشته‌باشد؛ چراکه از یک سو ملّت‌ها و حکومت‌ها را با مفاهیم مختلف به‌کار رفته در سرودهای ملی آشنا می‌سازد و از سوی دیگر می‌تواند به‌مثابه‌ی ابزاری برای ملّت‌ها و حکومت‌ها در جهت ارتقاء بخشیدن به مفاهیم به‌کار رفته در سرودهای ملی‌شان مورد استفاده قرار بگیرد.

کتابنامه

- آزاده، پویان. (۱۳۸۴). *سرودهای ملی کشورهای جهان*. چاپ اول. سمنان: آبرخ.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان «سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران»*. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- خلجی، عباس. (۱۳۸۶). *ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۷۶-۱۴)*، پایان‌نامه‌ی دکتری علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان*. چاپ سوم. تهران: سمت.
- کسرای، محمدسالار. *پوزش شیرازی، علی*. (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». *فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۳۹. شماره ۳. صص ۳۶۰-۳۳۹.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه‌ی فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مور، مایکل. (۱۳۸۳). *سرود ملی، آوای شجاعت، سربلندی و افتخار*. ترجمه‌ی مونا مشهدی رجبی. نشریه‌ی فرهنگ و پژوهش. شماره ۱۷۳. صص ۳۱-۳۲.
- نادری، مرجان. (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان‌شناسی گزیده‌هایی از سرودهای ملی کشورهای جهان*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ون‌دایک، تئون‌ای. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*. ترجمه‌ی پیروز ایزدی و دیگران. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

یورگنسن، ماریان. فیلیپس، لوئیس. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه‌ی هادی جلیلی. چاپ اول. تهران: نشرنی.

Bloor, M. Bloor, T. (2007). *Practice of critical Discourse Analysis: An introduction*. London: Routledge.

Bristow, Michael. (2006). *National Anthems of the world*. Eleventh Edition.

Cusack, I. (2005). *African National Anthems: Beat the drums, the red lion has roared*. *Journal of African Cultural Studies*. No. 17(2). Pp. 235- 251.

Jahoda, G. (1963). "The development of children's ideas about country and nationality: National symbols and themes". *British Journal of Educational Psychology*. No. 33(2). Pp. 143- 153.

Kolsto, P. (2006). "National symbols as signs of unity and division". *Ethnic and Racial Studies*. No. 29(4). Pp. 676- 701.

Rekha, S. Taj, H. (1995). "National integration through value-oriented activities". *Psycho Lyngua*. No. 25(1-2). Pp. 73- 77.

Rippon, T.J. (2005). "Do national anthems educate for a culture of peace or a culture of war?", *Culture of Peace Online Journal*. No. 1. Pp 34-39.

Van Dijk, T.A. (1998). *Critical discourse analysis*. Available: <http://www.hum.uva.nl/teun/cda.htm>.

Voros, V.(2012). "Word use and context analysis of six national anthems preliminary cultural suicide research". *European psychiatry*. No. 27(1). Pp. 137- 138.

David.national-anthems.net/ index.html. David Kendell. 2004. National Anthem Reference Page. Follow link to country.

National-anthems.org/ history. Htm. Michael Jamieson Bristow. 2003. The history of Twenty Eight National Anthems.

www.farsi.khamenei.ir

www.national-anthems.net

www.nationalanthems.com

www.nationsonline.org

www.worldbank.org